

## ... شبی چون شبه روی شسته به قیر (بررسی ارتباط موضوعی متن و تصویر در داستان بیژن و منیژه)

مقاله پژوهشی (صفحه ۱۷۰-۱۵۴)

سکینه خاتون محمودی<sup>۱</sup>، مرضیه قاسمی<sup>۲</sup>

۱- استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران (نویسنده مسئول)

۲- استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران

DOI: 10.22077/NIA.2022.4801.1549

### چکیده

مسأله پیوستگی و تعامل میان متون ادبی با تصاویر از جمله موارد مورد توجه نگارگران از دیرباز بوده است. اگرچه نگارگران در بیش تر موارد رعایت اصل امانت‌داری به متن را مورد توجه قرار داده‌اند، اما گاه این نگاره‌ها توأم با اغراق در تصویرگری مناظر حماسی یا غنایی شده است. شاهنامه قرچقای خان از جمله شاهنامه‌های مصور دوره صفوی است که کمتر شناخته و معرفی شده است. در این پژوهش که با هدف شناساندن ویژگی‌های این شاهنامه ارزشمند انجام گردیده، تلاش شده است تا یکی از مشهورترین داستان‌های حماسی - غنایی شاهنامه فردوسی یعنی داستان بیژن و منیژه از منظر تعامل و پیوستگی تصاویر این داستان با متن منظوم شاهنامه فردوسی بررسی گردد. این‌که ویژگی‌های تصویری نگاره‌های داستان بیژن و منیژه در شاهنامه قرچقای خان کدام بوده و عناصر داستانی چگونه در این نگاره‌ها به تصویر درآمده‌اند؟ موضوع این پژوهش است. روش کار در این تحقیق توصیفی و تحلیل تصاویر بر مبنای چهار مؤلفه اصلی موجود در این نگاره‌ها یعنی: تصویرگری رخداد، شخصیت‌ها و جایگاه آن‌ها، صحنه‌پردازی، فضاسازی و شعر مکتوب می‌باشد. نتیجه این پژوهش ضمن آن‌که حکایت از هماهنگی کامل این عناصر با روایت ادبی دارد، نشان‌گر توجه هنرمندان به جلوه‌های غنایی این داستان است که خود از وجوه ابداعی و ارزشی شاهنامه قرچقای خان به شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی: متن، نگاره، شاهنامه قرچقای خان، بیژن و منیژه.

1- Email: mahmoodi.s@arts.usb.ac.ir

2- Email: mghasemi1505@arts.usb.ac.ir

## مقدمه

این پژوهش بر آن است تا با بررسی مؤلفه‌های تصویری حاکم بر نگاره‌های داستان بیژن و منیژه در شاهنامهٔ قرچقای خان، به موضوع چگونگی تصویرگری عناصر داستانی در نگاره‌های مرتبط با این روایت بپردازد. بنا بر این سؤال اصلی این است که ویژگی‌های تصویری نگاره‌های داستان بیژن و منیژه در شاهنامهٔ قرچقای خان کدام است؟ و عناصر داستانی چگونه در این نگاره‌ها به تصویر درآمده‌اند؟

## روش تحقیق

روش کار در این پژوهش مبتنی بر شیوهٔ توصیفی - تحلیلی بوده، جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده‌است. چنان‌که پیش‌تر نیز گفته شد، در نسخه مورد بررسی، یعنی شاهنامهٔ قرچقای خان، ۵ نگاره مربوط به داستان بیژن و منیژه وجود دارد که این آثار در پژوهش حاضر مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. بخش عمدهٔ این تحقیق را خوانش متن مکتوب این روایت در شاهنامهٔ فردوسی و تحلیل چگونگی پردازش تصاویر تشکیل می‌دهد. تحلیل تصاویر بر مبنای چهار مؤلفهٔ اصلی موجود در این نگاره‌ها یعنی: تصویرگری رخداد، شخصیت‌ها و جایگاه آن‌ها در تصویر، صحنه‌پردازی، فضا سازی و شعر مکتوب انجام گردیده و جهت دستیابی به نتیجهٔ بهتر، این نوشتار در دو بخش کلی تدوین شده است. بدین ترتیب که در بخش اول به تعریف حکایت بیژن و منیژه در شاهنامهٔ فردوسی پرداخته و عناصر داستانی آن معرفی می‌شود و بخش دوم به تحلیل تصاویر و چگونگی تجلی این عناصر در نگاره‌های شاهنامهٔ قرچقای خان اختصاص دارد.

## پیشینه تحقیق

در بررسی به عمل آمده مشخص گردید که داستان بیژن و منیژه در تصویرگری، موضوع پژوهش‌های متعددی بوده‌است که از آن جمله می‌توان به مقالهٔ فاضل و خزایی (۱۳۹۴) با عنوان: «روایت شاهنامه بر جام سفالین بیژن و منیژه» اشاره کرد. در این مقاله، ظرفی سفالین از مجموعه فریر گالری مورد مطالعه قرار گرفته‌است. نتیجهٔ این پژوهش نشانگر آن است که تصویرگری در این اثر، بر مبنای برجسته‌سازی

شاهنامه قرچقای خان (۱۰۵۸ ه.ق) که موضوع پژوهش حاضر می‌باشد، یکی از مجلل‌ترین شاهنامه‌های دوران صفوی است که به سفارش قرچقای خان<sup>۱</sup> سپهسالار سپاه شاه عباس اول و حاکم مشهد، تهیه شده‌است. این شاهنامه اینک با عنوان شاهنامه «وینزور» در قصر سلطنتی وینزور بریتانیا نگهداری می‌شود و دارای ۱۴۸ برگ نگارگری است که پس از شاهنامه طهماسبی با ۲۵۸ نگاره، دارای بیش‌ترین تصاویر است. این شاهنامه بدون رقم بوده و تنها در پایین یکی از نگاره‌های آن رقم «محمد یوسف» درج گردیده‌است. از این رو برخی از نسخه‌شناسان مانند ب. و. رابینسون، الینور سیمز و منیژه بیانی نگاره‌های شاهنامهٔ قرچقای خان را متعلق به محمد یوسف (هنرمند فعال در سده ۱۱ ه.ق) و محمد قاسم (۱۰۴۰-۹۶۵ ه.ق)، نگارگران دوران شاه عباس دوم می‌دانند. نگاره‌های شاهنامهٔ قرچقای خان از لحاظ ساختار طیف رنگ و فضا سازی شباهت بسیاری به نگاره‌های شاهنامه رشیدا (سده ۱۱ ه.ق)، متعلق به عصر صفوی و محفوظ در موزه کاخ گلستان دارند. از مهم‌ترین ویژگی‌های این نسخه می‌توان به نوآوری در شیوهٔ رنگ‌آمیزی و طراحی نقوش اشاره کرد.<sup>۲</sup> تفصیل در تصویرسازی جزئیات و پرداختن به توالی حوادث داستانی از دیگر نکات قابل توجه در این زمینه است که نمونهٔ آن را می‌توان در نگاره‌های روایت عاشقانهٔ بیژن و منیژه مشاهده کرد.

روایت بیژن و منیژه در شاهنامهٔ فردوسی از مضامین عاشقانه‌ای است که همواره مورد اقبال هنرمندان قرار گرفته و روایت غالب این داستان یعنی: گرفتاری بیژن در چاه و رهایی او به دست رستم در دوره‌های گوناگون، بارها به تصویر درآمده‌است. با وجود غلبهٔ عناصر حماسی در نگارگری شاهنامهٔ فردوسی، مضمون این داستان با تکوین جهان لطیف و غنایی نقاشی ایرانی در دورهٔ صفوی، با رویکردی نوین که مبتنی بر القای حالت‌ها و نمایش لحظه‌ها و جوانب گوناگون طبیعت و زندگی می‌باشد در شاهنامهٔ قرچقای خان در ۵ نگارهٔ مجزا نقاشی شده‌است. ترسیم دقیق صحنه‌ها و مناظر که نقشی قابل‌ملاحظه در تجسم محسوس‌تر وقایع داستانی دارد، از نکات دیگری است که در تصویرگری از این روایت مورد توجه بوده‌است. با توجه به پیوند دیرینهٔ نگارگری ایرانی با متون ادبی،



موضوعی برخی از حوادث و بیش‌تر حول شخصیت بیژن شکل گرفته و منیژه در این تصاویر بر خلاف متن مکتوب شاهنامه حضور کم‌رنگ‌تری دارد. همچنین جعفری دهکردی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در مقاله: «مقایسه تطبیقی متن و نگاره در شاهنامه صفوی ۱۶۰۲ و والترز (درآوردن رستم، بیژن را از چاه)»، موضوع تطابق متن شاهنامه و نگاره‌های موجود در این نسخه را مورد توجه قرار داده و در پایان نتیجه‌گیری کرده‌اند که: هنرمند در این مجلس و سایر نگاره‌های نسخه، اتکای صرف به متن «شاهنامه» نداشته و هنر خویش را تا حدی مستقل از متن به اجرا درآورده است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کاربخش (۱۳۹۲) با عنوان «مطالعه تطبیقی صحنه نجات بیژن توسط رستم در نگاره‌های شاهنامه‌های دو مکتب تیموری و صفوی» از دیگر پژوهش‌های مرتبط با موضوع این مقاله است که در آن، به وجوه اشتراک و افتراق در شیوه تصویرگری این روایت در دو مکتب تیموری و صفوی پرداخته شده است. این بررسی نشانگر وجود زبان تصویری یکسان و ترکیب‌بندی‌های مشابه با حضور سه شخصیت محوری یعنی بیژن، منیژه و رستم می‌باشد. لیکن در این بررسی موضوع ارتباط و پیوستگی میان متن مکتوب شاهنامه و نگاره‌های مورد مطالعه چندان مورد توجه قرار نگرفته است. جست‌وجو برای یافتن پژوهش‌های مرتبط با نسخه قرچقای خان نشان می‌دهد که این نسخه با وجود ارزش‌های هنری قابل‌ملاحظه چندان مورد توجه قرار نگرفته و از معدود مقالات منتشر شده در این زمینه می‌توان به «شاهنامه قرچقای خان (شاهنامه وینزور)» (حسینی، ۱۳۹۰) اشاره کرد که صرفاً به معرفی ویژگی‌های فنی و تکنیکی نگاره‌ها پرداخته است. این موضوع حکایت از آن دارد که شاهنامه قرچقای خان و ارزش‌های هنری آن چندان مورد توجه عمیق پژوهشگران عرصه هنر قرار نگرفته و چگونگی تصویرگری مضامینی همچون: روایت بیژن و منیژه در این شاهنامه ارزشمند، کمتر مورد اقبال بوده است. از این رو ضرورت دارد تا در این خصوص تحقیق مستقلی صورت پذیرد.

#### ۱- روایت داستان بیژن و منیژه در شاهنامه

داستان بیژن و منیژه از طولانی‌ترین داستان‌های عاشقانه

شاهنامه فردوسی است که در شاهنامه چاپ مسکو ۱۳۱۲ بیت دارد. این داستان که با نام «رزم بیژن و گرازان» ضمن حوادث پادشاهی کیخسرو (مربوط به دوره پهلوانی) در شاهنامه آمده، در قرن ۴ هجری و قبل از آن که فردوسی آن را به نظم درآورد، در ایران شهرت داشته است (متینی، ۱۳۴۱: ۲). داستان بیژن و منیژه از دیرباز در میان فارسی‌زبانان به عنوان یک داستان بزمی و یا بزمی - رزمی معروف بوده، بسیاری از سخن‌سنان آن را هم‌ردیف با داستان‌های منظوم غنایی ادب فارسی همچون: ویس و رامین، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین و نظایر آن قرار داده‌اند. خصایص غنایی این داستان موجب گردیده، تا ادب‌پژوهان آن را هم‌سنگ با آثار غنایی ادبیات منظوم ایران قرار دهند و عنوان این داستان در بین خاص و عام به «بیژن و منیژه» تغییر یابد (محمودی، ۱۳۹۰: ۲۸۲۶). شرح این داستان چنین است: «در زمان پادشاهی کیخسرو گروهی از «ارمانیان» به درگاه او آمده و از ستم گرازان می‌نالند. بیژن (= بیژن یا بیجن) پسر گیو، نوه گودرز و خواهرزاده رستم» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۲۳۹) که در بعضی از مراجع ادبی از او تحت عنوان نوه دختری رستم یاد شده (شهیدی مازندرانی، ۱۳۷۷: ۱۸۹) و (محبوب، ۱۳۷۱: ۱۷۶)؛ به همراه «گرگین میلاد» به ارمان (مرز ایران و توران) می‌رود. او گرازان را دفع می‌کند؛ اما گرگین که بر او حسد می‌ورزد، او را ترغیب به رفتن در سرزمین توران و مجلس خوشگذرانی منیژه می‌کند. بیژن به خیمه منیژه رفته، با او نرد عشق می‌بازد. چون هنگام جدایی منیژه از بیژن فرا می‌رسد، منیژه که نمی‌تواند دوری از بیژن را تحمل کند، دستور می‌دهد که او را بیهوش سازند و بدین طریق او را با خود به کاخ افراسیاب می‌برد. این کار منیژه موجب گرفتاری بیژن می‌شود. افراسیاب که از ماجرا باخبر می‌گردد، بیژن را درون چاهی به بند می‌کشد. منیژه پنهانی به تیمار او در بن چاه کمر همت می‌بندد. از طرف دیگر گرگین به ایران باز می‌گردد و خبر گم شدن بیژن را به گیو و پادشاه ایران کیخسرو می‌دهد. با مددخواهی گیو از کیخسرو، او به جام گیتی‌نما نگرسته، بیژن را در چاهی گرفتار می‌بیند. رستم همراه با جمعی از دلاوران در لباس بازرگانان برای نجات بیژن عازم توران می‌شود. او موفق می‌گردد که با کمک منیژه بیژن

می‌گویند (یونسی، ۱۳۴۱: ۱۹). طرح داستان شامل رشته وقایع به هم پیوسته‌ای است که به نتیجه معینی می‌پیوندد. هر یک از این وقایع بحران داستان نامیده می‌شوند. بحران‌ها نقاط تغییر مشخصی هستند که هر یک به دیگری گره خورده و همه با هم داستان را به سوی بحران عمده یا نقطه اوج هدایت می‌کنند. نقطه اوج یا بزنگاه نقطه‌ای در داستان است که در آن بحران به نهایت خود رسیده و به گره‌گشایی داستان منجر می‌شود (میرصادقی، ۱۳۹۲: ۷۷). گره‌گشایی پی‌آمد یا نتیجه نهایی رشته حوادث بوده، در گره‌گشایی سرنوشت شخصیت‌های داستان تعیین می‌شود و آن‌ها به موقعیت خود آگاهی پیدا می‌کنند، خواه این موقعیت به نفع آن‌ها باشد یا به ضررشان (همان). اغلب اوقات گره‌گشایی نقطه پایان داستان است.

در بررسی داستان‌های شاهنامه، هر داستان را می‌توان قابل تفکیک به اجزا و عناصر زیرین دانست: ۱- گفتارها. ۲- کردارها. ۳- پندارها. ۴- قهرمانان. ۵- زمان. ۶- مکان. ۷- آرایه‌ها. ۸- شیوه نقل. ۹- شگردها و مناسبات اجزا یا یکدیگر. ۱۰- منطق حاکم بر مناسبات کردارها و قهرمانان (سرامی، ۱۳۶۸: ۶). با توجه به این تقسیم‌بندی، برخی از اجزا و عناصر داستان بیژن و منیژه را که منطبق با این پژوهش می‌باشند، می‌توان در جدول به شرح زیر نشان داد:

را از چاه بیرون آورد. هنگامی که رستم قصد دارد آن دو را با خود به ایران ببرد، افراسیاب از این موضوع مطلع شده و جنگ سختی بین ایران و توران درمی‌گیرد که در این میان رستم و سپاهیان ایرانی پیروز می‌شوند. رستم به همراه بیژن و منیژه به ایران باز می‌گردند. کیخسرو از این موضوع شاد شده، گرگین را می‌بخشد و منیژه را به همسری بیژن درمی‌آورد» (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۸۸ تا ۲۰۱). در حقیقت می‌توان گفت داستان بیژن و منیژه، آمیزه‌ای از چاره‌گری، نیرنگ، مهر و جنگ است و دست تقدیر در روند امور دخالت دارد. عشق نیز بخشی از این تقدیرات را تشکیل می‌دهد. فردوسی از عشق و روابط عاشقانه به عنوان ابزاری در داستان‌سرایی استفاده می‌کند اما هدف اصلی پهلوانان حماسه‌های ایرانی از جنگ، عشق نیست. بلکه عشق در بیشتر داستان‌های شاهنامه زمینه‌ساز بروز پهلوانی‌ها و لشکرکشی‌هاست. داستان بیژن و منیژه نیز از این امر مستثنی نیست.

#### ۲-۱- بررسی عناصر داستانی بیژن و منیژه

در بررسی تعامل بین متن و نگاره در داستان بیژن و منیژه شاهنامه فردوسی بر اساس نسخه قرچقای خان بهتر است که ابتدا به بررسی طرح و عناصر داستانی بیژن و منیژه پرداخته شود. هر داستان معمولاً دارای چند عنصر اساسی است. نقشه کار، رئوس مطالب و یا چهارچوب داستان را طرح داستان

جدول ۱: اجزاء و عناصر داستان بیژن و منیژه در شاهنامه فردوسی، برگرفته از داستان بیژن و منیژه، تدوین از نگارندگان، (۱۳۹۹).

عناصر اصلی داستان	عناصر فرعی داستان	شرح اجزاء و عناصر در داستان بیژن و منیژه
۱	زمان و مکان	زمان وقوع این داستان در زمان پادشاهی کیخسرو و مکان آن نیز مرز بین ایران و توران است.
۲	شخصیت‌ها	شخصیت‌های اصلی
		ضد قهرمانان
۳	گفتارها	شخصیت‌های فرعی
		شخصیت‌های دیگری که به قهرمانان در موقعیت‌های مختلف کمک می‌کنند عبارتند از: دایه منیژه، کیخسرو، پیران ویسه و گیو.
		صحیح بیژن و منیژه پس از به هوش آمدن بیژن در کاخ افراسیاب (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۱). - ابراز ناراحتی منیژه آن هنگام که بیژن از انگشتر درون مرغ بریان بی می‌برد که رستم برای نجات او به سرزمین توران آمده و از گفتن این راز به منیژه خودداری می‌کند (همان: ۱۹۱).



عناصر اصلی داستان		عناصر فرعی داستان	شرح اجزاء و عناصر در داستان بیژن و منیژه	
۴	کردارها	کردارهای عاشقانه	عاشق شدن	عاشق شدن بیژن و منیژه (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۰).
			دیدار عاشقانه	بیژن به دعوت منیژه به خیمه او می‌آید همان: ۱۹۰).
			نیرنگ برای حفظ معشوق	چون هنگام جدایی منیژه از بیژن فرا می‌رسد، منیژه دستور می‌دهد که بیژن را بیهوش سازند و او را با خود به کاخ افراسیاب می‌برد (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۰).
			تیمارداری معشوق	پس از گرفتاری بیژن در چاه، منیژه به تیمار او در بن چاه کمر همت می‌بندد (همان: ۱۹۲).
۴	کردارها	تلاش برای رهایی معشوق	- دیدار منیژه با رستم و کمک گرفتن از او برای رهایی بیژن از چاه (فردوسی، همان: ۱۹۸). و افروختن آتش در کنار چاه و راهنمایی رستم به محل اسارت بیژن (همان: ۱۹۹).	
			نبرد	- نبرد بیژن با گرازان (همان: ۱۸۹). شبیخون رستم به کاخ افراسیاب (همان: ۲۰۰). جنگ بین سپاه ایران و توران که منجر به پیروزی رستم و سپاه او بر لشکریان افراسیاب گردید (همان: ۲۰۰ و ۲۰۱).
۴	سایر کردارها	رهایی بیژن	رهایی بیژن به دست رستم (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۹).	
		سایر کردارها	گرفتار شدن بیژن در کاخ افراسیاب (همان: ۱۹۰)، انصراف افراسیاب از قتل بیژن بنا به خواهش ببران ویسه (همان: ۱۹۲)، بیرون کردن منیژه از کاخ (همان)، کیخسرو بنا به خواهش گیو، در جام جهان بین می‌نگرد و بیژن را در گرفتار در چاه می‌باید. آمدن رستم به توران در جمله بازگشتن و اقدام برای نجات بیژن (همان: ۱۹۵ تا ۱۹۷).	
۵	پندارها	تقدیر	در داستان بیژن و منیژه، گرگین که همراه با بیژن است، کارگزار تقدیر است. اوست که اسباب گرفتاری بیژن را در عشق منیژه و در نهایت زندان افراسیاب فراهم می‌کند.	
		خوارداشت درم و دینار	هنگامی که بیژن و گرگین به جایگاه گرازان می‌رسند، بیژن از گرگین می‌خواهد که در پیکار با گرازان به او کمک کند اما گرگین نمی‌پذیرد. چشمداشت گرگین به زر و سیم و هدایایی که شاه به بیژن بخشیده سرانجام او را به نیرنگ باری برمی‌انگیزد و در نهایت به اسارت و زندانی شدن بیژن می‌انجامد (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۸۹ تا ۱۹۲).	
		کین خواهی	افراسیاب بیژن را به علت اینکه بی‌اجازه او به مرآوده با دخترش پرداخته و بی‌اجازه به کاخ او وارد شده، در چاه زندانی می‌کند (همان: ۱۹۱ تا ۱۹۲).	
		سایر پندارها	کین خواهی رستم از افراسیاب به علت گرفتار کردن بیژن در چاه (همان: ۹۶۶).	
۵	سایر پندارها	سایر پندارهای موجود در این داستان عبارتند از: تیرنگ، تضاد، گذرا بودن سختی‌ها، امیدواری دادن، ترک غم و غنیمت داشتن دم، بی‌تجربه دانستن جوانان و نام‌جویی.		

## ۲- تصویرگری داستان بیژن و منیژه در شاهنامه

### قرچقای خان

مطالعه جنبه‌های تصویری شاهنامه فردوسی حاکی از آن است که در همه جای این کتاب، تصویرها برای القای حالت‌ها و نمایش لحظه‌ها آن‌گونه که در متن واقع جریان دارد، به کار گرفته شده‌اند. ارزش القایی این تصویرها موجب گردیده مجموعه بی‌شماری از زیباترین تصویرهای شعری این دوره (یعنی سده ۴ هجری) در شاهنامه تجلی یابد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۴۴۰). مقدمه داستان عاشقانه بیژن و منیژه که نظیره‌ای است بر متن این داستان، نیز با توصیفی از شب

### آغاز می‌شود:

«شبی چون شبه روی شسته به قیر»

نه بهرام پیدا نه کیوان نه تیر»  
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۸۸).

وصف شب و پرداخت تفصیلی آن در حقیقت نماد شاعرانه چاه بیژن است. با آن‌که حال و هوای این داستان آغازی غم گرفته و تاریک دارد، اما فردوسی در جای جای روایت متناسب با حوادث داستان با بهره بردن از تشبیه، استعاره و زبان مجازی، تصویری پرشکوه از طبیعت را در پیش چشمان مخاطب می‌گشاید. زیبا شدن دشت چون چشم

نگارگر ایرانی نیز با تجسم این تصاویر شاعرانه، تصاویر زیبایی را مصور ساخته‌اند که در ادامه با تحلیل نگاره‌های داستان بیژن و منیژه در شاهنامه قرقچای خان بدان پرداخته می‌شود:

## ۲-۲- تحلیل و بررسی نگاره‌های شاهنامه قرقچای خان

ایجاز در بیان، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نگارگری ایرانی تا قرن شانزدهم، یعنی زمان شکل‌گیری مکتب اصفهان است. به طوری که به نظر می‌رسد، هر اندازه نقاشی‌های مکاتب پیشین نگارگری ایرانی در فرم موجزند، مجموعه‌های قرن شانزدهم تقریباً دارای جزئیات مفصل‌تری بوده و صحنه‌های «الحاقی» در این آثار به شدت گسترش یافته‌است (نظری، ۱۳۹۰: ۳۱). بیان تفصیلی موضوعات و باقی‌ماندن در چارچوب تصویرسازی ادبی از دیگر ویژگی‌های نقاشی این دوران است که از جمله شاخص‌ترین نمونه‌های آن می‌توان به نسخه‌های متعدد شاهنامه اشاره کرد. شاهنامه قرقچای خان یکی از این نمونه‌ها است. نگاره‌های شاهنامه قرقچای خان، که نتیجه‌گزینه‌بخش‌هایی از متن منظوم داستان بیژن و منیژه در شاهنامه فردوسی است، روایتی قانع‌کننده از سلسله وقایع این داستان بوده و مشتمل بر ۵ تصویر است. با توجه به سیر وقایع داستان که به گرفتاری بیژن در چاه می‌انجامد، یکی از این نگاره‌ها یعنی حضور بیژن در مجلس بزم منیژه (تصویر ۱)، مربوط به قبل از رخداد اصلی، یعنی گرفتاری بیژن در چاه بوده و چهار تصویر دیگر به گره‌گشایی داستان می‌پردازند. این تصاویر عبارتند از: ۲- حضور رستم در بارگاه کیخسرو و چاره‌جویی برای آزادی بیژن (تصویر ۲)، ۳- دیدار منیژه با رستم که به منزله مقدمه‌ای برای رهایی بیژن از چاه است (تصویر ۳)، ۴- رهایی بیژن از چاه (تصویر ۴)، ۵- شیبخون رستم به کاخ افراسیاب (تصویر ۵).

برای رسیدن به نتیجه‌ای بهتر این بررسی بر تحلیل برخی از مهم‌ترین نشانه‌های تصویری مانند: چگونگی صحنه‌پردازی، فضای کلی حاکم بر نگاره و متون مکتوب در حاشیه نگاره‌ها متمرکز است. این عناصر که نقش برجسته‌ای در ساختار یک تصویر دارند، از جمله مواردی هستند که به نگارگر در ذکر نکات و دقیق مختلف داستانی یاری رسانده و شناخت آن‌ها می‌تواند در فهم و درک میزان پیوستگی متن و تصویر مؤثر باشد.

خروس هم‌زمان با آمدن عروس (منیژه) (همان: ۱۹۰). طاوس رنگ شدن زمین با دینار و دیبا چون پشت پلنگ (همان)، سیاه شدن جهان به چشم منیژه به واسطه ناامیدی از بیژن (همان: ۱۹۸). و سوختن چشم شب قیرگون از نور آتشی که منیژه بر می‌افروزد (همان: ۱۹۹). بخش کوچکی از این توصیف‌ها است. توصیف‌های شاعرانه از زیبایی‌های طبیعت، که متناسب با موضوع گاه رنگی غنایی به خود می‌گیرد:

«یکی دشت بینی همه سرخ و زرد

کز و شاد گرده دل راد مرد ...

زمین پرنیان و هوا مشکبوی

گلابست گویی مگر آب جوی»

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۸۹).

و گاه شوری حماسی را به تصویر می‌کشد:

«بجنید دشت و بتوفید کوه

ز بانگ سواران هر دو گروه

درخشان بگرد اندرون تیغ تیز

تو گفتی بر آمد همی رستخیز»

(همان: ۲۰۰).

مجموعه این تصاویر با جلوه‌های گوناگون طبیعت، به حوادث شاهنامه جان‌زندگی و تحرک می‌بخشد. همچنین تناسب تصویرها با موضوع را می‌توان در تغییر رنگ تصویر شب با تصویر روز و هماهنگی آن با حالات درونی آدمی نیز مشاهده کرد. در داستان بیژن و منیژه آن‌جا که منیژه در انتظار است که شب فرا رسد و آتشی بر افروزد تا رستم برای نجات بیژن بر سر چاه رود، برای نشان دادن انتظار و درازی زمان، تصویر طولانی‌تر نشان داده شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۴۴۴).

«به خورشید بر چشم و همزم به بر

که تا کی بر آرد شب از کوه سر»

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۹).

بررسی ویژگی‌های تصویری داستان بیژن و منیژه از منظر ادب فارسی نشان از آن دارد که در این اثر سترگ حماسی به جهت تجسم بهتر مطلب، صحنه‌ها بسیار ساده و دقیق ارائه شده‌اند. این موضوع سبب گردیده تا تجسم عینی تصاویر به بهترین شکل صورت گرفته و جنبه‌های هنری تصاویر داستانی شاهنامه شکلی محسوس داشته باشند. هنرمندان



۲-۲-۱-۲- نگاره اول: حضور بیژن در مجلس بزم منیژه  
آمدن بیژن به خیمه منیژه که در زمره کردارهای عاشقانه این داستان قرار دارد، به وقوع عشق میان بیژن و منیژه می‌پردازد. روایت این واقعه در شاهنامه فردوسی چنین شرح داده شده‌است:

«نشستگه رود و می ساختند  
ز بیگانه خرگه پپرداختند  
پرستندگان ایستاده به پای  
ابا بریبط و چنگ رامش سرای  
به دیبا زمین کرده طاووس رنگ  
ز دینار و دیبا چو پشت پلنگ  
چه از مشک و عنبر چه یاقوت و زر  
سرپرده آراسته سر به سر»  
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۰).

۲-۲-۱-۱- شخصیت‌ها: شخصیت‌های موجود در این صحنه عبارتند از: بیژن، منیژه، دایه منیژه، ندیمگان وی و ملازم بیژن.

۲-۲-۱-۲- صحنه‌پردازی: در این مجلس منیژه در حال پذیرایی از بیژن دیده می‌شود. در حالی که ندیمه‌ها در اطراف آن‌ها قرار دارند. عناصر موجود در صحنه از قبیل: کوه‌ها، درختان، چمن‌زار و خیمه منیژه، نشان دهنده مکانی در دامان طبیعت است که همگی با دقتی دل‌انگیز و با تمایز و وضوحی همسان نقاشی شده و توصیف‌های فردوسی از طبیعت پیرامون خیمه منیژه را که در قسمت قبل توضیح داده شد، به زیبایی نشان می‌دهند. سخاوت در به کارگیری رنگ‌های پرتالگو و درخشان مانند: زرد، زرد طلایی، طلایی، نارنجی، انواع آبی و سبز طبیعت را در زیباترین صورت جلوه‌گر ساخته است. طبیعتی که در شکوه بهشتی خود آرام است اگرچه نمایشی از امیال نفسانی انسانی را نیز به همراه دارد. شیوه تصویرگری و آرامش حاکم بر فضای نگاره و انتخاب مضمون، نشان از ترجیح هنرمند برای تصویرگری فضایی است که حسی از زیبایی عاشقانه را به همراه داشته باشد، نه اینکه شامل لحظاتی از اوج هیجان عاطفی باشد. شخصیت‌های اصلی این روایت، یعنی بیژن و منیژه، در مرکز تصویر قرار گرفته‌اند که حاکی از تأکید نقاش بر نقش محوری این دو شخصیت است.

۲-۳-۱-۲- فضا: می‌توان بر مبنای عناصر موجود در صحنه، فضای حاکم بر این نگاره را مورد بررسی قرار داد. استفاده از خطوط منحنی در پیش‌زمینه و تداوم آن‌ها در بخش‌های میانی و پس‌زمینه تصویر که در ترسیم شیب کوه و نحوه استقرار درختان در افق نیز مشاهده می‌شود، همراه با گستردگی پوشش گیاهی در بخش‌های مختلف نگاره، حسی از آرامش و راحتی خیال را به ارمغان آورده که این موضوع در سیمای افراد حاضر در این صحنه نیز دیده می‌شود. به نظر می‌رسد نگارگر علاوه بر این‌ها، برای فراهم آوردن فضایی تغزلی و شاد که متناسب با یک ماجرای عاشقانه است، تمهیدات دیگری را نیز به کار برده‌است مانند: ترسیم خطوط کناره‌نمای خیمه، جهت خلق صحنه‌ای خصوصی‌تر برای بیژن و منیژه. همچنین استفاده مناسب از رنگ‌های روشن و شاد مانند انواع نارنجی‌ها، ماشی، طلایی، زرد و زرد طلایی در فضای خیمه که متناسب با حال و هوای این بخش از داستان است. شیوه ترکیب‌بندی و نحوه استقرار پیکره‌ها در نگاره نیز، بازتابی از لحن صمیمانه و عاطفی این بخش از روایت است که با به کارگیری تدابیری خاص در تصویرگری نمایان می‌شود مثل: نزدیکی فیزیکی پیکره‌های بیژن و منیژه و تبادل صمیمانه نگاه بین آن‌ها که تأکید بر این امر به واسطه قرارگیری پیکره‌های بیژن و منیژه و ندیمگان در فضایی محدود بیش‌تر می‌شود. لازم به ذکر است که روح حماسی و فضای پهلوانی حاکم بر فضای شاهنامه در این تصویر دیده نمی‌شود و انتظار بیننده را از یک صحنه عاشقانه و بزمی، در تناسب با متن منظوم شاهنامه، برآورده می‌سازد.



تصویر ۱: حضور بیژن در خیمه منیژه، شاهنامه فرج‌قایی خان مأخذ (URL).

### ۲-۲-۲- نگاره دوم: حضور رستم در بارگاه کیخسرو

#### و چاره‌جویی برای آزادی بیژن

با مددخواهی گیو از کیخسرو، او به جام گیتی‌نما نگریده، بیژن را در چاهی گرفتار می‌بیند و برای آزادی او از رستم کمک می‌خواهد. رستم برای ابراز فرمانبرداری و اجرای درخواست کیخسرو به بارگاه او می‌آید. کیخسرو برای خوشآمدگویی به رستم بزمی را در باغ ترتیب داده و در زیر درخت، مسندی را برای او بر پا می‌دارد. دومین نگاره این مجموعه به تصویرگری این موضوع پرداخته است.

۱-۲-۲- شخصیت‌ها: شخصیت‌های موجود در این صحنه عبارتند از: کیخسرو، گیو، رستم، گرگین میلاد و گروهی از درباریان.

۲-۲-۲- صحنه‌پردازی: در این مجلس کیخسرو بر تختی زرین نشسته و رستم که بر خلاف سایرین لباس رزم بر تن دارد بر مسندی کوتاه‌تر در کنار وی قرار گرفته‌است. سه شخصیت که به نظر می‌رسد دوتن از آن‌ها گیو و گرگین میلاد می‌باشند، رو به روی آن‌ها بر زمین نشسته‌اند. در حالی که دیگر درباریان در اطراف آن‌ها برپای ایستاده و برخی دیگر در پیش‌زمینه تصویر مشغول نوش‌خواری و گوش دادن به نوای موسیقی می‌باشند. عناصر موجود در صحنه از قبیل: کوه‌ها، درختان و چمن‌زار، مکانی را در دامان طبیعت نشان می‌دهند که مطابق با توضیحات فردوسی از این مجلس است.

«بفرمود تا تاج زرین و تخت

نهادند زیر گلفشان درخت

همه دیبسه خسروانی بیاغ

بگسترد و شد گلبتان چون چراغ»

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۶).

۳-۲-۲- فضا: ترکیب‌بندی این نگاره با استفاده از خطوط منحنی، مورب و افقی انجام شده‌است. استفاده از خطوط منحنی و مورب همراه با گستردگی پوشش گیاهی در بخش‌های مختلف نگاره، محیطی مطبوع و دلپذیر را به وجود آورده‌است. قرار دادن تک درختی در بخش میانی تصویر که ساقه‌اش در امتداد تخت کیخسرو قرار گرفته و شاخ و برگش همچون چتری بر این قسمت گشوده شده به ترسیم فضایی خاص و مجزا برای این شخصیت بزرگ اساطیری- حماسی

### ۴-۲-۱- شعر مکتوب: در نگارگری متون ادبی،

اغلب شاهد حضور نوشتار در میان سایر عناصر تصویری می‌باشیم که به نظر می‌رسد. محدودیت نگارگر در تصویرگری بخش‌هایی از داستان یا بیان برخی از موارد مهم که بنا به عللی امکان ترسیم آن‌ها در تصویر وجود ندارد، سبب این امر گردیده است. در نگاره آمدن بیژن به خیمه منیژه، نوشتار در دو بخش از تصویر دیده می‌شود:

اول: «بیت مصور» یعنی ابیاتی که مربوط به ورود بیژن به خیمه منیژه می‌باشند و تصویر ارتباط مستقیمی با این نوشتار دارد. این ابیات در قسمت بالای تصویر و در دو قاب مجزا نوشته شده‌اند. دوم: بخشی از گفت‌وگوی عاشقانه میان بیژن و منیژه که در قسمت پایین تصویر آمده‌است. با توجه به اینکه تصویر و دیالوگ بر هم تأثیر گذاشته و در لحظاتی ویژه بازتاب نشانه‌های همدیگر در یک ترکیب‌بندی خاص هستند، نگارگر با رعایت فشردگی و ایجاز هنری، بخش‌هایی از ابیات شاهنامه، یعنی دیدار عاشقانه و پرسش منیژه از احوال بیژن را در تصویر گنجانده که بسیار مناسب با فضای نگاره به نظر می‌رسد:

«بپرسیدش از راه و رنج دراز

که با تو که آمد به جنگ گراز

چرا این چنین روی بالا و برز

برنجانی ای خوب چهره به گرز»

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۰).

### ۵-۲-۱- مقایسه تصویر و متن: نگاهی اجمالی به

نگاره حضور بیژن در خیمه منیژه از نظر سنجش مؤلفه‌های تصویری موجود در شعر و تصویر حکایت از آن دارد که اگر چه در مواردی همچون: صحنه‌پردازی و فضاسازی، تصویر از هماهنگی درخور توجهی با متن مکتوب شاهنامه برخوردار است، لیکن در ترسیم جزئیاتی مانند: آراستن سرپرده با یاقوت و زر، ندیمگان چنگ و بربط به دست، یا مواردی همچون: سفره‌آرایی «نهادند خوان و خورش گونه‌گون/ همی ساختند از گمانی فزون» (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۰). یا جزئیات پوشش «به تاج اندر آویخت پَر همای»، «میانش به زرین کمر کرده بند» (همان) که وصفی از کمربند بیژن است، نگارگر به این موارد، چندان که در شعر مورد توجه بوده، نپرداخته‌است.



۵-۲-۲-۲- مقایسه تصویر و متن: بررسی اجمالی نگاره حضور رستم در بارگاه کیخسرو که به منظور چاره‌جویی برای آزادی بیژن صورت گرفته، از نظر سنجش مؤلفه‌های تصویری موجود در شعر و تصویر نشان‌گر آن است که اگر چه در مواردی همچون: ترسیم شخصیت‌ها، صحنه‌پردازی و فضاسازی، تصویر از هماهنگی درخور توجهی با متن مکتوب شاهنامه برخوردار است، لیکن در ترسیم جزئیاتی مانند: تصویرگری «گلفشان درخت» («تنش سیم و شاخش ز یاقوت و زر/ برو گونه‌گون خوشه‌های گهر») (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۶)، گسترده دیبای خسروانی در باغ و شیوه پوشش سپهسالاران و درباریان «همه طوق بر بسته و گوشوار» (همان)، جزئیات تصویری کمتر مورد توجه بوده‌است.

۳-۲-۲- نگاره سوم: دیدار منیژه با رستم  
سومین نگاره این مجموعه که به دیدار منیژه با رستم، اختصاص دارد، شیوه‌گزینش بخش‌های مختلف داستان را با چالشی اساسی مواجه ساخته، به یکپارچگی تصاویر داستانی خللی جدی را وارد می‌سازد. متلاشی شدن سیر واقعی حوادث و حذف نقطه اوج داستان یعنی گرفتاری بیژن در چاه گرگساران، از سلسله وقایع، نشان از تغییر خط سیر روایی نگاره‌های داستان بیژن و منیژه از بزمی به رزمی داشته و زمینه‌ای برای نشان دادن پهلوانی‌های قهرمان اصلی شاهنامه یعنی؛ «رستم» را فراهم می‌سازد. چنان‌که قبلاً گفته شد، رستم همراه با جمعی از دلاوران در لباس بازرگانان برای نجات بیژن عازم توران می‌شود و منیژه که خبر ورود کاروان ایرانی را می‌شنود، بی‌درنگ به دیدار آن‌ها شتافته و در پی چاره‌جویی برای آزادی بیژن برمی‌آید.

۱-۳-۲-۲- شخصیت‌ها: شخصیت‌های اصلی موجود در این صحنه عبارتند از منیژه و رستم. همراه با شخصیت‌هایی فرعی دیگری همچون کاروانیان و همراهان رستم.

۲-۳-۲-۲- صحنه‌پردازی: عناصر موجود در این صحنه شامل حجره بازرگانی رستم و دلاوران است. در این تصویر قرارگرفتن پیکره‌ها در زمینه معماری، بخشی از فضای شهری را منعکس می‌سازد. بیش از دو سوم مساحت نگاره به عمارت اختصاص داده و بخش کوچکی از فضای تصویر را آسمان که با تکه ابر کوچکی نیز پوشانده‌شده، اشغال کرده‌است.

کمک کرده‌است. نشستن کیخسرو و رستم در کنار هم بر مسند، همچنین جایگاه آن‌ها در بخش میانی تصویر، از دیگر تدابیری است که برای نشان دادن نقش محوری این دو شخصیت در در نگاره مورد بحث به کار رفته‌است.

۴-۲-۲-۲- شعر مکتوب: در این نگاره نیز، نوشتار در دو بخش از تصویر دیده می‌شود.

- بیت مصور: دو بیت بالای تصویر ابیاتی است در مدح رستم از زبان کیخسرو:

«ز هر بد تویی پیش ایران سپر

همیشه چو سیم‌غ گسترده پر

چه درگاه ایران چه پیش کیان

همه بر در رنج بندی میان»

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۶).

که متناسب با فضای این بخش از روایت و مجلسی است که کیخسرو برای خوشامدگویی به رستم مهیا ساخته‌است. بخش پایینی نگاره نیز دربر دارنده تعریف‌های کیخسرو از خاندان گودرز با توصیه‌هایی به رستم برای آزادی بیژن است:

«شناسی تو کردار گودرزبان

به آسانی و رنج و سود و زیان ...

کنون چاره کار بیژن بجوی

که او را به توران بد آمد بروی»

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۶).



تصویر ۲: حضور رستم در بارگاه کیخسرو و چاره‌جویی برای آزادی بیژن، شاهنامه قرچقای خان، مأخذ (URL2)

شده است که متناسب با متن شاهنامه است: «بدیبا بیوشید رستم سرا» (همان). قرار گرفتن شخصیت‌های داستانی در یک فضای بسته، محدود و هندسی را نیز می‌توان بخشی از تدابیر هنرمند برای نشان دادن فضای غیر صمیمی حاکم بر این بخش از داستان دانست. دلتنگی و پریشان‌حالی منیژه که در بخش کوچکی از پیش‌زمینه تصویر، تنها و در هجده نگاه اطرافیان رستم، در میان دیوارهای مرتفع تصویر گردیده، جو سنگین و غیر صمیمی این فضا را بیش‌تر نمایان می‌سازد. به نظر می‌رسد تصویر آسمان در بخش فوقانی نگاره که با تکه ابر کوچکی نیز پوشانده شده، نماد مناسبی از دلتنگی و گرفتگی دل منیژه از وقایع جاری است.

۲-۲-۳-۴- شعر مکتوب: در نگاره دیدار منیژه با رستم نیز مانند نگاره قبلی، نوشتار در دو بخش از تصویر دیده می‌شود. در قسمت بالای تصویر که در آن منیژه به معرفی خود و بیان بخشی از شرح حال خویش پس از اسارت بیژن می‌پردازد و در قسمت پایین نیز شرح کوتاهی از دلتنگی منیژه از بازی‌های روزگار و امید داشتن به کمک پروردگار برای رهایی از این وضعیت دردناک است. این بیت که به صورت جداگانه‌ای در قسمت پایین نگاره و در قاب کوچکی درست در جلوی منیژه کتابت شده، حاوی این بیت است:

«از این زارتر چون بود روزگار

سر آرد مگر بر من این کردگار»

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۸).

۲-۲-۳-۵- مقایسه تصویر و متن: سنجش مؤلفه‌های تصویری موجود در متن مکتوب شاهنامه و نگاره مورد نظر (تصویر ۳) نشان از آن دارد که: مواردی همچون ترسیم شخصیت‌ها در قالب افرادی متمول به خوبی انجام یافته لیکن صحنه‌پردازی و فضا سازی پیکره در پیش‌زمینه یک عمارت، به فروکاستن شکوه و جلال کاروان بازرگانی رستم در یک فضای محدود منجر گردیده است. با این وجود نحوه استقرار منیژه در این تصویر چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، مناسب توصیف‌های فردوسی از وضعیت پریشان وی است که در نهایت برای چاره‌جویی به دیدار رستم شتافته و به عرض حال پرداخته است.

۲-۲-۴- نگاره چهارم: رهایی بیژن از چاه توسط رستم سومین نگاره، به رهایی بیژن از چاه گرگساران توسط رستم

ترکیب‌بندی در این نقاشی با تسلط خطوط افقی و عمودی و نماهای رو به رو انجام گردیده است.



تصویر ۳: دیدار منیژه با رستم، شاهنامه قرچقای خان، مأخذ: (URL3)

۲-۲-۳-۳- فضا: استفاده از خطوط مورب برای ترسیم بخشی از بنا که در سمت چپ تصویر قرار دارد، به ایجاد فضای محصور منجر گردیده که در حد فاصل اضلاع ساختمان، پیکره‌های داستانی را در خود جای داده است. به نظر می‌رسد که نگارگر با بزرگنمایی فضای معماری قصد برجسته کردن صحنه فیزیکی را داشته است تا از این طریق هم ضمن قرار دادن منیژه در یک فضای محصور و مرتفع، حالت انتظار و استیصال منیژه را بهتر محسوس کند و هم اینکه تصویری متناسب از حجره یک بازرگان متمول یعنی رستم را متناسب با زمینه داستانی ارائه دهد. به نظر می‌رسد شکوه و جلال کاروان بازرگانی رستم که در این بخش از شاهنامه بدین شکل وصف شده است:

«صد اُشتر همه بار او گوهرا

صد اُشتر همه جامه لشکرا

ز بس های و هوی و درنگ دَرای

بکردارِ تهمورثی کز نای»

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۷).

در این نگاره به صورتی مختصر به تصویر درآمده است. به نحوی که شوکت مورد نظر فقط در ترسیم لباس‌های فاخر و پر نقش برای رستم و تعدادی از همراهانش جلوه‌گر



اختصاص دارد.

۱-۴-۲-۲- شخصیت‌ها: شخصیت‌های اصلی موجود در این صحنه عبارتند از: رستم، بیژن و منیژه و شخصیت‌های فرعی را همراهمان رستم تشکیل می‌دهند.

۲-۴-۲-۲- صحنه‌پردازی: در این مجلس رستم در حال بیرون کشیدن بیژن از چاه دیده‌می‌شود. در حالی که منیژه همراه با دیگر دلاوران در اطراف آن‌ها قرار دارند. عناصر موجود در صحنه از قبیل: کوه‌ها، سنگ‌ها، درختان و زمین مسطح، فضایی باز در دامنه کوه را مجسم می‌کند. عناصر اصلی موجود در این صحنه که ارتباط مستقیمی نیز با وقایع داستانی دارند، عبارتند از: چاه بیژن، سنگ اکوان دیو و آتشی که توسط منیژه افروخته شده‌است.

- چاه بیژن: وصف این چاه و کیفیت به بند کشیدن بیژن توسط افراسیاب در شاهنامه از زبان او بدین شرح است:

«به گرسیوز آنگه بفرمود شاه

که بند گران ساز و تاریک چاه

دو دستش به زنجیر و گردن به غل

یکی بند رومی به کردار مل

ببندش به مسمار آهنگران

ز سر تا به پایش ببند اندران

چو بستی نگون اندر افکن به چاه

چو بی‌بهره گردد ز خورشید و ماه»

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

- سنگ اکوان دیو: این سنگ که به دستور افراسیاب بر سر چاه نهاده شده‌بود، سنگ بسیار بزرگی بود که هر کسی قدرت حرکت دادن آن را نداشت. چنان‌که در این داستان نیز ذکر شده، رستم پس از رسیدن به چاه بیژن از هفت گردان می‌خواهد که سنگ اکوان را از روی دهانه چاه بردارند، گردان دست به کار می‌شوند، اما در این کار توفیق نمی‌یابند چرا که انجام این امر فقط توسط رستم و به یاری خداوند امکان‌پذیر است:

«ز یزدان جان آفرین زور خواست

بزد دست و آن سنگ برداشت راست»

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۹).

- آتش: آتشی که توسط منیژه افروخته شده و در شاهنامه

وصف آن بدین شرح آمده است که:

«منیژه بشد آتشی برفروخت

که چشم شب تیرگون را بسوخت»

(همان).

در این نگاره، تصویر بیژن در ظلمت چاه در تقابل با شعله‌های آتش که نویدبخش پایان اسارت او است، تصویری مناسب از این رخداد را ارائه می‌دهد. همچنین مقایسه سنگ اکوان با کوه‌ها و تناسبات انسانی، تصویری درخور از پهلوانی‌های رستم را مجسم می‌سازد. در این تصویر بیژن در چاه و رستم در حال تلاش برای رهایی او تصویر شده‌است. تمایل نگارگران ایرانی برای نشان دادن تصویری کامل از واقعیت که با تصویرگری تعدادی از وقایع همزمان در قسمت‌های مختلف نگاره امکان ظهور می‌یابد، در این نگاره نیز دیده می‌شود. به نحوی که برای نمایش حضور بیژن در چاه، نگارگر با چشم‌پوشی از قوانین دنیای واقعی بخشی از زمین را برداشته و تماشای نجات زندانی را برای بیننده امکان‌پذیر گرداند. بدین ترتیب ساختار اثر را به یاری مخاطب با تمامیت داستان مرتبط گردانده و تصویری کامل از این بخش داستان را به بیننده ارائه نموده‌است.

۳-۴-۲-۲- فضا: فضای این نگاره را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول که به شرح قهرمانی جهان پهلوان ایرانی، یعنی رستم اختصاص دارد و بخش دوم نگاره که به ترسیم بیژن در چاه گرگساران پرداخته‌است. در بخش اول یعنی فضای حماسی، رستم در سیمای پهلوانی، با کلاه متمایز خویش از دیگر دلاوران باز شناخته می‌شود. وی از نظر فضایی در بالاترین مکان ایستاده و از این نظر به عنوان مهم‌ترین شخصیت داستانی این بخش نیز به بینندگان شناسانده شده‌است. وی تنها فرد در حال تکاپو در نگاره می‌باشد که با انجام اقدامی پهلوانی موجب این فضای حماسی گردیده‌است. حضور هفت گردان در لباس رزم، به تشدید این فضای حماسی کمک کرده است. در بخش دوم یعنی چاه گرگساران، نگارگر با ترسیم یک چاه تنگ و تاریک، فضای خوفناک چاه گرگساران را به تصویر کشیده و وضعیت دشوار بیژن را به بهترین شکل نشان داده‌است. بیژن در این تصویر در فضایی معلق در میانه چاه قرار دارد که نویدی بر پایان اسارت اوست و تنها شخصیتی است که کلاه بر سر ندارد که تناسب

تصویری موجود در شعر و تصویر نشان‌گر آن است که اگر چه در مواردی همچون: ترسیم شخصیت‌ها، صحنه‌پردازی و فضا سازی، تصویر از هماهنگی درخور توجهی با متن مکتوب شاهنامه برخوردار است، لیکن در ترسیم جزئیاتی مانند کیفیت قرار گرفتن بیژن در چاه برطبق آنچه به گرسیوز فرمان داده می‌شود: «چو بستی نگون اندر افکن به چاه»، یا شرح وضعیت بیژن «برهنه تن و موی و ناخن دراز»، «همه تن پُر از خون و رخساره زرد» دقت کافی صورت نگرفته و نگارگر در این مورد به ایجاز در تصویرگری روی آورده است.

۲-۲-۵- نگاره پنجم: شبیخون رستم به کاخ افراسیاب  
این نگاره، آخرین بخش از روایت تصویری داستان بیژن و منیژه در شاهنامه قرقچای خان بوده، شرح کین خواهی رستم از افراسیاب، به علت زندانی بیژن در چاه است. می‌توان گفت: داستان عاشقانه بیژن و منیژه در فرجام خود با بیان حماسه پهلوانی‌های رستم گره خورده است، ماجرابی که اگرچه این پایان حماسه نیست، اما پایان خوش ماجرای رزم بیژن با گرازان و سلسله وقایع پس از آن است.

۱-۲-۵-۲- شخصیت‌ها: شخصیت‌های اصلی موجود در این صحنه عبارتند از: رستم و منیژه. شخصیت‌های فرعی را نیز همراهیان رستم تشکیل می‌دهند.

۲-۲-۵-۲- صحنه‌پردازی: عناصر موجود در این صحنه شامل نمایی از کاخ اسفندیار می‌باشد «به کاخ اندر آمد خداوند رخس» (فردوسی، ۱۳۸۷: ۲۰۰). این عمارت از نمای رو به رو ترسیم شده است. حدود نیمی از فضای نگاره با این عمارت اشغال شده و سایر عناصر طبیعی مانند کوهها، درختان، چمنزار و فضایی مسطح در پیش‌زمینه تصویر، بقیه قسمت‌های نگاره را تشکیل می‌دهند. متناسب با فضای نگاره، خطوط افقی و عمودی برای رسم تصویر هندسی کاخ اسفندیار و خطوط منحنی برای تصویرگری از مناظر به کار رفته‌اند. در این تصویر رستم در حالی که لباس رزم بر تن دارد، دست بانویی تورانی (احتمالاً منیژه) را در دست گرفته و به همراهی گردان و تعدادی دیگر از بانوان تورانی دربار افراسیاب در حال خروج از قصر می‌باشند. پیکرهای پراکنده سربازان کشته شده در نبرد، بر روی زمین نشان از مهارت جنگاوری پهلوانان ایرانی دارد. در این تصویر خبری از تحرک و پویایی صحنه‌های نبرد

پوشش او با موقعیتی که در آن گرفتار شده را نشان می‌دهد. این موضوع نشانگر تحقیر و بی‌احترامی به بیژن نیز می‌باشد. به طور کلی فضای این نگاره نشان‌گر نوعی تضاد است یعنی تضاد بین روشنی و تاریکی. با آن‌که وقایع این داستان در شب هنگام رخ داده، اما فضای نگاره مانند روز روشن بوده و تضاد میان گرفتاری بیژن در چاه تاریک را با آزادی و روشنی فضای بیرون نمایان می‌کند.

۴-۲-۲- شعر مکتوب: در نگاره نجات بیژن از چاه توسط رستم مانند نگاره‌های قبلی، نوشتار در دو بخش از نگاره دیده می‌شود. در قسمت بالای تصویر که در آن بیژن شرط بخشیدن گرگین میلاد را که از سوی رستم به عنوان تنها شرط رهایی او از چاه ذکر شده را می‌پذیرد، سپس بیت: «فروهشت رستم به زندان کمند

بر آوردش از چاه با پای بند»

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۹).

درج گردیده که به نظر می‌رسد، بر مقصود اصلی نگارگر از ترسیم این صحنه، تأکید دارد. در قسمت پایین نگاره نیز در دو قاب جداگانه شرح وضعیت بیژن در چاه گنجانده شده است.

«برهنه تن و موی و ناخن دراز

گدازیده از درد و رنج و نیاز

همه تن پُر از خون و رخساره زرد

از آن بند و زنجیر زنگار خورد»

(همان).



تصویر ۴: نجات بیژن از چاه توسط رستم، شاهنامه قرقچای خان، مأخذ (URL4).

۴-۲-۲-۵- مقایسه تصویر و متن: بررسی نگاره

نجات بیژن از چاه توسط رستم، از نظر سنجش مؤلفه‌های



طبیعت با تصاویری از کوه‌ها، ابرها و درختان است و فضایی از آرامش و راحتی خیال را نشان می‌دهد که خود می‌تواند به عنوان نماد مناسبی از فرجام خوش ماجرای عاشقانه بیژن و منیژه نیز تعبیر شود. این موضوع همچنین تدبیر هنرمند در تغییر فضای نگاره از فضایی حماسی و رزمی به فضایی تغزلی و شاد را بیش‌تر نمودار می‌کند. فضایی که تناسب بیش‌تری با فرجام داستان داشته و درک عمیق نگارگران این‌گونه آثار را از فضا و دقایق ظریف ادبی بیش‌تر به نمایش می‌گذارد.

۴-۲-۵-۲- شعر مکتوب: در نگاره شبیخون رستم به کاخ اسفندیار، ابیاتی در قسمت بالای تصویر و در بخش فوقانی کاخ اسفندیار درج گردیده که مربوط به شبیخون رستم به کاخ اسفندیار است:

«بر ایشان ز هر سو بگیرید راه

که جوید نگین و که جوید کلاه

ز هر سو خروش تکاپوی خاست

ز خون ریختن بر درش جوی خاست

هر آنکس که آمد ز توران سپاه

زمانه تهی ماند زو جایگاه

گرفتند بر کینه جستن شتاب

از آن خانه بگریخت افراسیاب

به کاخ اندر آمد خداوند رخس

همه فرش و دیبای او کرده پخش

پری‌چهره‌گان سپهبد پرست

گرفته همه دست گردان به دست»

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۲۰۰).

این ابیات رخدادهای اصلی این صحنه را شرح می‌دهند. ۵-۲-۵-۲- مقایسه تصویر و متن: بررسی نگاره شبیخون رستم به کاخ افراسیاب، از نظر سنجش مؤلفه‌های تصویری موجود در شعر و تصویر نشان‌گر آن است که اگر چه در مواردی همچون: ترسیم شخصیت‌ها و صحنه‌پردازی، تصویر از هماهنگی درخور توجهی با متن مکتوب شاهنامه برخوردار است، لیکن در مواردی مانند: زمان رخداد که بنا بر متن شاهنامه در شب‌هنگام به وقوع می‌پیوندد:

«که ما امشب از کین افراسیاب

نیابیم آرام و نه خورد و خواب ...

نبوده و اجساد کشته‌شدگان در پیش‌زمینه تصویر، تنها نشانه‌ای از پایان یک نبرد است. به طوری که می‌توان گفت در این صحنه‌بندی به جای تأکید بر حوادث رزمی، تصویری مجلل از پایان پیروزمندانه نبرد ارائه گردیده است. کوشش برای بازنمایی جهان مادی به کمک تنوع موجود در جامه‌ها، فضای معماری و جنگ‌افزار امکان‌پذیر شده است. دقت در ریزه‌کاری‌ها و جزئیات از خصوصیات این نگاره می‌باشد.



تصویر ۵: شبیخون رستم به کاخ افراسیاب، شاهنامه قرچقای خان، مأخذ (URL5)

۳-۲-۵-۲- فضا: استفاده از خطوط مورب برای ترسیم بخشی از بنا که در سمت چپ تصویر قرار دارد، باعث گسترده‌گی فضای تصویر از نمای یک عمارت به سمت مناظر طبیعی گردیده است. به نظر می‌رسد که نگارگر با گسترش زاویه دید بیننده از فضای محدود معماری به فضای طبیعت، تصویری مناسب از آزادی و رهایی منیژه از کاخ افراسیاب و سختی‌های روزگار در دوران اسارت بیژن در چاه را ارائه داده است. ترتیب وقوع حوادث از پیش‌زمینه تصویر تا پس‌زمینه، سه فضای متفاوت در را در نگاره به وجود آورده به طوری که در قسمت جلویی تصویر، اجساد کشته‌شدگان به همراه رستم و دلاوران در لباس رزم، فضایی حماسی را تداعی می‌کند. در بخش میانی تصویر، بانویی به همراهی یکی از دلاوران در حال ترک کردن قصر می‌باشد در حالی که ندیمه‌ای دیگر در آستانه کاخ دستهایش را بالا برده و مشغول منازعه با یکی از جنگجویان است. تزاحم و اغتشاش پیکره‌ها در این صحنه، تشویش و اضطراب حاکم بر فضای کاخ اسفندیار پس از شبیخون رستم و یارانش را نمایان می‌سازد. پس‌زمینه تصویر نیز نمایی از

رشد تا به درگاه افراسیاب  
 به هنگام سستی و آرام و خواب»  
 (همان: ۱۹۹).  
 توجه نشده است. نیز در تصویرگری خشونت نبرد: «ز خون ریختن بر درش جوی خاست» دقت کافی صورت نگرفته و

نگارگر در این مورد به ایجاز در تصویرگری روی آورده است.  
 رخدادهای تصویر شده در نگاره‌های روایت داستانی بیژن و منیژه را می‌توان به طور خلاصه در جدول شماره ۲ مشاهده کرد:

جدول ۲: شرح رخدادهای و چگونگی تصویرگری آن‌ها در نگاره‌های شاهنامه قرچقای خان. تدوین از نگارندگان (۱۳۹۹).

نوع رخداد	شرح رخداد	تجسم رخداد در نگاره	چگونگی تصویرگری رخدادهای عناصر داستانی	انطباق عناصر شعری و تصویری
عاشقانه	حضور بیژن در مجلس بزم منیژه.	این صحنه به صورت مجزا مصور گردیده است (نگاره ۱).	در شیوه تصویرگری عناصر طبیعت، و خیمه منیژه، صحنه پردازی مناسب از یک صحنه بزمی وجود دارد و متناسب با متن منظوم شاهنامه است.	صحنه پردازی و فضا سازی، تصویر از هماهنگی درخور توجهی با متن مکتوب شاهنامه برخوردار است، لیکن در ترسیم جزئیات صحنه و پوشش، نگارگر به ایجاز در تصویرگری روی آورده است.
	بپوش شدن بیژن و انتقال وی به کاخ افراسیاب.	مصور نشده.	-	-
	تیمارداری منیژه از بیژن	مصور نشده.	-	-
	دیدار منیژه با رستم و کمک گرفتن از او برای رهایی بیژن.	این صحنه به صورت مجزا مصور گردیده و سومین تصویر این مجموعه است (نگاره ۳).	شیوه تصویرگری و تجسم پیکرها در یک فضای مناسب برای تجسم حجه یک بازارگان و حضور شخصیت‌های اصلی یعنی رستم و منیژه در این تصویر، مناسب به نظر می‌رسد.	مواردی همچون ترسیم شخصیت‌ها در قالب افرادی متمول به خوبی انجام یافته لیکن صحنه-پردازی و فضا سازی پیکرها در پیش زمینه یک عمارت، به فروکاستن شکوه و جلال کاروان بازرگانی رستم در یک فضای محدود منجر گردیده است.
حماسی	افروختن آتش در کنار چاه و راهنمایی رستم به آن‌جا.	بخشی از نگاره رهایی بیژن از چاه است (نگاره ۴).	تصویر بیژن در ظلمت و سیاهی چاه در تقابل با شعله‌های آتشی که منیژه برافروخته و نوید بخش پایان اسارت جانگناه بیژن است.	عناصر تصویری شعر و نگاره در این مورد، بر طبق متن شاهنامه، با یکدیگر تطابق دارند.
	نبرد بیژن با گرازان.	مصور نشده.	-	-
	رهایی بیژن از چاه به دست جهان پهلوان ایرانی یعنی رستم.	این صحنه به صورت مجزا مصور گردیده و چهارمین تصویر از این مجموعه است (نگاره ۴).	شیوه تصویرگری و عناصر مورد استفاده مانند: چاه بیژن، سنگ اکوان دیو، آتش و تصویر معلق بیژن در میانه چاه در حالی که توسط رستم بیرون کشیده می‌شود، تصویری مطلوب از این رخداد را در تناسب با متن منظوم شاهنامه ارائه می‌دهد.	در ترسیم شخصیت‌ها، صحنه پردازی و فضا سازی، تصویر با متن شاهنامه هماهنگی دارد. اما در ترسیم جزئیاتی مانند کیفیت قرار گرفتن بیژن در چاه، یا جزئیات وضعیت بیژن دقت کافی صورت نگرفته و نگارگر در این مورد به ایجاز در تصویرگری روی آورده است.
	شبیخون رستم به کاخ افراسیاب.	این صحنه به صورت مجزا مصور گردیده و پنجمین تصویر این مجموعه است (نگاره ۵).	شیوه تصویرگری این صحنه، تصویری مجلل از پایان پیروزمندانانه نبرد را ارائه می‌کند. به نظر می‌رسد هدف نگارگر نه تجسم یک نبرد حماسی، بلکه تجسم پایانی خروش برای داستان بیژن و منیژه است.	در مواردی همچون: ترسیم شخصیت‌ها و صحنه-پردازی، تصویر دارای هماهنگی با متن شاهنامه است، لیکن به مواردی مانند: زمان رخداد (شب هنگام) توجه نشده است. نیز در تصویرگری خشونت نبرد، دقت کافی صورت نگرفته است.
جنگ بین ایران و توران.	مصور نشده.	-	-	-



نوع رخداد	شرح رخداد	تجسم رخداد در نگاره	چگونگی تصویرگری رخدادها و عناصر داستانی	انطباق عناصر شعری و تصویری
	اسارت بیژن	مصور نشده.		
سایر رخدادها	آمدن رستم به بارگاه کیخسرو و چاره‌جویی	این صحنه به صورت مجزا مصور و دومین تصویر از این مجموعه است (نگاره ۲).	تصویر کیخسرو و رستم که نقشی گره‌گشا و کلیدی در فرجام ماجرا دارند، در یک نگاره مجزا به تصویر درآمده و در تناسب با سایر تصاویر این مجموعه، تصویری مطلوب است.	در مواردی همچون: ترسیم شخصیت‌ها، صحنه‌پردازی و فضاسازی، تصویر از هماهنگی خوبی با متن برخوردار است، لیکن در ترسیم جزئیاتی مانند: تصویرگری «گلفشان درخت»، گستردن دیبای خسروانی در باغ و شیوه پوشش سپهسالاران و درباریان، جزئیات تصویری کمتر مورد توجه بوده‌است.

### نتیجه‌گیری

که در این نگاره‌ها معیار انتخاب رویدادها بر اساس وقایع عاشقانه داستان بوده و خط سیر وقایع چنان انتخاب گردیده که روند عاشقانه داستان از وقوع عشق میان بیژن و منیژه، تا تلاش برای رهایی بیژن از چاه و شبیخون رستم به کاخ افراسیاب در انتهای داستان، تصویری مطلوب داشته‌باشد. هرچند در این میان خط سیر وقوع حوادث داستانی، کامل به نظر نمی‌رسد (مثل چگونگی اسارت بیژن)، ولی بخش‌های مختلف نگاره محوری این داستان یعنی رهایی بیژن از چاه، محل وقوع رخدادهای متفاوتی می‌شود که خود به جبران این کاستی‌ها کمک قابل ملاحظه‌ای می‌کند. رخدادهایی همچون: بیان کیفیت چاه گرگساران و گرفتاری بیژن در آن، کیفیت سنگ اکوان دیو و از این رهگذر نمایش شدت رنج و گرفتاری بیژن، لباس کامل و سفید رنگ منیژه که نمادی از پاکی عشق او می‌باشد. وسعت آتشی که منیژه برافروخته و نماد مناسبی از میزان علاقه وی به بیژن و تلاش مجدانه وی برای جبران تقصیر است. این بررسی همچنین بیانگر این نکته است که در این نگاره‌ها جنبه‌های ملایم‌تر زندگی مانند نمایش روابط ظریف زن و مرد، احساس عطف و متقابل و جلوه‌های زیبایی زنانه تصویری شایسته یافته و مطابق با فضای عاشقانه داستان از مفهوم جنگاور رشید و بی‌باک که ویژگی بیش‌تر نگاره‌های شاهنامه می‌باشد، فاصله گرفته‌است. حضور رستم و پهلوانی‌های وی نیز بخشی از این داستان عاشقانه بوده و در تناسب با فرجام و گره‌گشایی داستان ظاهر می‌شود.

### پی‌نوشت‌ها

۱- نام او در منابع «فرچقای» (اسکندر بیک ترکمان، ۱۳۸۲/

نگاهی اجمالی به نگاره‌های داستان بیژن و منیژه در شاهنامه فرچقای خان، حاکی از آن است که نگارگران این آثار با توجه به متن منظوم شاهنامه در چارچوب تصویرسازی ادبی باقی‌مانده و موضوع ادبی مورد بحث را نه به تفصیل، بلکه با گزینشی ظریف و سنجیده به تصویر کشیده‌اند. بررسی چهار مؤلفه اصلی موجود در این نگاره‌ها از جمله: چگونگی انتخاب شخصیت‌ها و جایگاه آن‌ها در تصویر، صحنه‌پردازی، فضاسازی و شعر مکتوب (بیت مصور) حکایت از هماهنگی این عناصر با روایت ادبی دارد. بررسی اجمالی پنج نگاره مربوط به روایت بزمی - رزمی بیژن و منیژه در شاهنامه فرچقای خان، از نظر سنجش مؤلفه‌های تصویری موجود در شعر و تصویر نشان‌گر آن است که اگر چه در مواردی همچون: ترسیم شخصیت‌ها، صحنه‌پردازی و فضاسازی، تصویر از هماهنگی درخور توجهی با متن مکتوب شاهنامه برخوردار می‌باشد، لیکن ترسیم جزئیات تصویری در این نگاره‌ها، کمتر مورد توجه بوده‌است. این موضوع در مواردی عناصر موجود در صحنه مانند: گستردنی‌ها و خوردنی‌ها و در مواردی نیز، شیوه پوشش را در بر می‌گرفته‌است. در بعضی از صحنه‌ها نیز نگارگر با دخل و تصرف در روایت، تصویر را به دل‌خواه خویش، نقاشی نموده‌است که از آن جمله می‌توان به شیوه قرار گرفتن بیژن در چاه اشاره کرد. ایجاز در تصویرگری از دیگر مواردی است که در مقایسه عناصر تصویری شعر و نقاشی در تصاویر روایت بیژن و منیژه از شاهنامه فرچقای خان دیده می‌شود. که از آن جمله می‌توان به شیوه تصویرگری بیژن در چاه و شبیخون رستم به کاخ افراسیاب اشاره کرد. با این وجود به نظر می‌رسد

- محمودی، علی‌رضا. (۱۳۹۰). «بررسی عناصر غنایی داستان بیژن و منیژه». مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی. جلد سوم. زاهدان: چاپخانه المهدی. صص ۲۸۲۵-۲۸۴۲.

- منجم، جلال‌الدین. (۱۳۶۶). تاریخ عباسی. به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. بی‌جا: وحید.

- میرصادقی، جمال. (۱۳۹۲). عناصر داستان. چاپ هشتم. تهران: سخن.

- وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر. (۱۳۸۳). تاریخ جهان‌آرای عباسی. تصحیح سید سعید میر محمد صادق. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

- یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. چاپ اول. تهران: فرهنگ معاصر.

- یونسی، ابراهیم. (۱۳۴۱). هنر داستان‌نویسی. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.

- نظری، مائیس. (۱۳۹۰). جهان دو گانه مینیاتور ایرانی. تفسیر کاربردی نقاشی دوره صفویه. ترجمه عباس علی عزتی. تهران: فرهنگستان هنر.

- Robinson, B. W. Sims, Eleanor. Bayani, Manijeh. (2007). THE WINDSOR SHAHNAMA of 1648. London, Azimuth.

- URL1: <https://rct.resourcespace.com/iiif/image/81676/full/724/0/default.jpg>: (Accessed: November 18, 2020).

- URL2: <https://www.rct.uk/sites/default/files/styles/rctr-scale-1300-500/default.jpg>: (Accessed: November 18, 2020).

- URL3: <https://rct.resourcespace.com/iiif/image/81680/full/688/0/default.jpg>: (Accessed: October 11, 2020).

- URL4: <https://rct.resourcespace.com/iiif/image/81682/full/812/0/default.jpg>: (Accessed: October 11, 2020).

- URL5: <https://rct.resourcespace.com/iiif/image/81681/full/727/0/default.jpg>: (Accessed: October 11, 2020).

۲: ۶۱۹ و ۳: ۹۲۱؛ منجم، ۱۳۶۶: ۲۶۴ و «قرچقای» (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۵۱). آمده‌است.

۲- برای کسب اطلاعات بیشتر رک: (حسینی، ۱۳۹۰) و (Robinson, Sims & Bayani, 2007).

## منابع

- اسکندر بیک ترکمان. (۱۳۸۲). تاریخ عالم‌آرای عباسی. به تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.

- سرامی، قدم‌علی. (۱۳۶۸). از رنگ گل تا رنج خار (شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه). چاپ اول. تهران: علمی و فرهنگی.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). صور خیال در شعر فارسی. چاپ پنجم. تهران: آگاه.

- شهیدی مازندرانی، حسن. (۱۳۷۷). فرهنگ شاهنامه (نام کسان و جایها). چاپ اول. تهران: نشر بلخ وابسته به بنیاد نیشابور.

- فاضل، عاطفه و خزایی، محمد. (۱۳۹۴). «روایت شاهنامه بر جام سفالین بیژن و منیژه». نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی. دوره ۲۰. ش ۱. صص ۴۹-۵۸.

- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). شاهنامه فردوسی. تهران: کتاب‌سرای نیک.

- جعفری دهکردی، ناهید. فرجی، سارا و ترکزاده، ابراهیم (۱۳۹۸). «مقایسه تطبیقی متن و نگاره در شاهنامه صفوی

۶۰۲ W6 و والترز (درآوردن رستم، بیژن را از چاه)». مجله مطالعات ادبیات تطبیقی. ش ۲۳. صص ۱۹۵-۲۱۷.

- حسینی، مهدی. (۱۳۹۰). «شاهنامه قرچقای خان (شاهنامه ویتزور)». نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی. ش ۴۵. صص ۱۳-۲۱.

- کاربخش، رؤیا. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی صحنه نجات بیژن توسط رستم در نگاره‌های شاهنامه‌های دو مکتب تیموری و صفوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر. استاد راهنما:

حسین مهریویا. استاد مشاور: سید رحیم خوش‌نظر خوب‌بین. دانشکده هنر و معماری. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- متینی، جلال. (۱۳۴۱). خلاصه بیژن و منیژه فردوسی. چاپ اول. تهران: باستان.

- محجوب، محمد جعفر. (۱۳۷۱). آفرین فردوسی. چاپ اول. تهران: مروارید.



## A Study on the Thematic Relation Between the Text and Illustrations in the Qarachqāy-Khān Shahnameh

Sakine Khatoon Mahmoodi<sup>1</sup>, Marzyeh Ghasemi<sup>2</sup>

1- Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan  
(Corresponding Author)

2- Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan

DOI: 10.22077/NIA.2022.4801.1549

### Abstract

Interaction between the literary texts and illustrations has been considered as an important issue for miniaturists from a long time ago. Although miniaturists were mostly dedicated to the text in their work, sometimes it happened that illustrations were accompanied with exaggeration in epic and lyrical scenes. The Qarachqāy-Khān Shahnameh, as a case in this respect, is a renowned Safavid illustrated book of kings that has not yet been not considered seriously. The present research aims at studying the visual features of one the most well-known epic-lyrical stories in the Ferdowsi's Shahnameh, "Bijan and Manijeh", from the viewpoint of interaction between the images of this story with the text of the book. "Bijan and Manijeh" in the Shahnameh is a romantic narrative mostly been illustrated by miniaturists and illustrators, especially the episode in which Bijan is entrapped in a deep well and freed by Rostam, the epic hero of Shahnameh. In spite of the domination of epic elements in Shahnameh illustration, the mentioned story during the Safavid era is displayed by adopting new visual approaches in showing feelings and expressions, moments, and different aspects of nature and life. There are five separate images in relation to this story in the Qarachqāy-Khān Shahnameh. Regarding the traditional connection between Persian miniature painting and literary texts in Iran, the scope of present research is to study the dominant visual elements in the illustrations of "Bijan and Manijeh" story in Qarachqāy-Khān Shahnameh, as well as to examine the quality of illustration such elements in the related images of the narrative. The main question to consider in this respect would be as follows: what are the visual features of "Bijan and Manijeh" images in the Qarachqāy-Khān Shahnameh and how are the story elements been illustrated in such images? Adopting a descriptive method, the research analyzed the images on the basis of four main elements, including the illustration of events, characters and their role, setting, and the written poem. To achieve better results, the essay has been divided into two parts. The first part is introducing the story of "Bijan and Manijeh" in Shahnameh besides its narrative elements, and the second one is analyzing the illustrations and their manifestation in Qarachqāy-Khān Shahnameh. The results of the research, besides indicating perfect harmony among such elements and the text, show as well the illustrators' attention to the lyrical aspects of the story, which could be regarded as an innovation in this Shahnameh. Furthermore, the present study shows the subtler aspects of life, such as displaying men and women's relations, mutual affection, and feminine beauty. Regarding the romantic theme of the story, images have gone beyond the common features of a brave and elegant warrior, as seen in most illustrations of such books. The presence of Rostam and his heroic enterprises is also a part of this romantic story, being in conformity with the conclusion of the story.

**Key words:** Text, Illustration, Qarachqāy-Khān Shahnameh, Bijan and Manijeh.

---

1- Email: mahmoodi.s@arts.usb.ac.ir

2- Email: mghasemi1505@arts.usb.ac.ir